

جایگاه اخلاق و تعاملات اجتماعی در توسعه اقتصادی با محوریت تغییرات اقلیمی

کامران شیرزاد^۱

سیدباقر میرعباسی^۲

سهیلا کوشا^۳

چکیده

تغییرات اقلیمی به معنای تغییر میانگین دمای زمین بوده که مخاطرات زیادی من جمله بالا آمدن سطح دریاها، تغییر در الگوی بارش، کاهش سطح حاصل خیزی خاک و ... را به دنبال دارد. این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی انجام شده و اثر تغییرات اقلیمی را بر رویکرد اقتصادی حقوق بین‌الملل مورد واکاوی قرار داده است. نتیجه اینکه اولین اثر تغییرات اقلیمی، شکل‌گیری کنفرانس‌های بین‌الملل و درنهایت وضع اسناد حقوق بین‌الملل به نحوی بوده که کشورها را متعهد به اتخاذ سیاست‌هایی نموده که با تغییرات اقلیمی ممانعت نماید. این تعهدات در حله اول ممکن است آثار اقتصادی منفی به دنبال داشته که کشورها به دلیل سهولت، این راه را انتخاب کرده و برای کسب‌وکارها محدودیت‌هایی وضع می‌نمایند. اما نیاز است که باهدف تبدیل آثار منفی اقتصادی به آثار مثبت، از برخی کسب‌وکارها حمایت جدی شود و بدون مخدوش شدن تعهدات بین‌المللی کشورها، در این حوزه اشتغال ایجاد نمود. کشورها باهدف مقابله با تغییرات الگوی اقلیمی می‌بایست شرکت‌های دانش‌بنیان را در این حوزه تقویت نموده تا در برخی مسائل موجب ارزش‌افزوده گردند. قوه قضائیه از اختیارات خود بهره برده و ضمن شناسایی دقیق‌تر جرائم این حوزه، متخلفان را به نحوی بازدارنده مجازات نماید. قوه مجریه نیز می‌بایست سیاست‌های خود را به نحوی اتخاذ کرده که کسب‌وکارهای حوزه مقابله با تغییرات اقلیمی توجیه‌پذیر گردد. بدین صورت ضمن تعهدات بین‌المللی کشورها، هیچ آثار منفی به بار نیامده و درعین حال با تقویت اقتصاد، می‌توان منافع اقتصادی این حوزه را شاهد بود.

واژگان کلیدی

حقوق اقتصادی، تغییرات اقلیمی، رویکرد هزینه - فایده، انتخاب عقلانی، اقتصاد سبز.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: k.shirzadphd@student.pnu.ac.ir

۲. استاد تمام، گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: mirabbasi@ut.ac.ir

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

Email: Dr.koosha@jonoub.tpnu.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

طرح مسأله

مهم‌ترین پیش‌فرض‌های موجود در علم اقتصاد مبتنی بر مسائل روش‌شناختی و هنجاری است. بر این اساس، به لحاظ روش‌شناسی پیش‌فرض اولیه آن است که افراد به دنبال کسب بیشترین منافع در قبال کمترین هزینه‌ها هستند و به لحاظ هنجاری نیز تنها منبع برای تحلیل‌های هزینه-فایده انسان‌ها می‌باشند. این دو پیش‌فرض در علم اقتصاد به انسان‌باوری روش‌شناختی و فردگرایی هنجاری معروف شده است که خود متضمن اندیشه‌های لیبرالیسم در اقتصاد است (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

در علم اقتصاد دو مدل برای تبیین رفتار وجود دارد: (بادینی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

۱. مدل اثباتی ۲. مدل اختیار عاقلانه یا بر ساخت‌گرا.

مدل اثباتی، جهان انسانی را همچون جهان طبیعی می‌داند و رفتار آدمی را همچون پدیده‌های طبیعی جبری می‌شمارد. بر این اساس، در این الگو، هدف‌مندی و گزینش جایگاهی ندارد. ولی مدل اختیار عاقلانه جهان انسانی را از جهان طبیعی جدا می‌کند و باور دارد این جهان، جهان گزینش، ارزیابی و حسابگری است. در این الگو، آدمی نه بر پایه علت بلکه بر پایه دلیل رفتار می‌کند. این مدل، یک اصل محوری دارد که گوهر رفتار حسابگرانه به‌شمار می‌آید و آن این است که، آدمیان هدف‌دار، سنجیده و بر پایه اغراض و اهداف مشخص رفتار می‌کنند. پایه حسابگری در مرید بودن و غایت‌مندی آدمی وجود دارد. این دو امر برگرفته از تحلیل عقلی ذات آدمی و تجربه‌ی زندگی گذشته و حال او است (باقری، ۱۳۸۵: ۵۰). انسان‌ها به‌روشنی و با علم حضوری و شهودی، وجود اراده و غایت‌مندی را در خود می‌یابند. آن‌ها می‌دانند فاعلانی هستند که ارزش اعتقاد، هدف و معنی بر افعال آن‌ها حکومت می‌کند و آفریده‌هایی عالم و قاصدند و به‌طور معمول و طبیعی رفتار آن‌ها مسبوق به دلیل و سنجیدگی است. بر این اساس، افراد در زندگی روزمره و در تمامی تعاملات اجتماعی، رویکردهای اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهند؛ زیرا تمامی انسان‌ها به دنبال آن هستند تا در روابط اجتماعی، بیش‌ترین منافع را در قبال کم‌ترین هزینه‌ها به دست آورند.

اهمیت حقوق بین‌الملل در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، موجب شده تا حقوق اقتصادی به این قلمروی مطالعاتی مهم نیز توجه کند. گرچه رد پای ورود اقتصاد به حقوق بین‌الملل در قالب تأسیس رشته حقوق تجارت بین‌الملل برمی‌گردد، اما توجه مسائل اقتصادی محض به حقوق بین‌الملل موجب شکل‌گیری اندیشه‌های جدید در قالب تحلیل‌های اقتصادی شده است. بر این اساس، در دوره کنونی و متأثر از رویکردهای اقتصادی، نگاهی جدید در رشته حقوق بین‌الملل ایجاد شده است که از آن به رویکرد اقتصادی حقوق بین‌الملل یاد می‌شود.

این نگاه که از سوی اقتصاددانان مطرح شده است، به فعالیت‌ها، کنش‌ها و واکنش‌های بین‌المللی به‌مثابه نوعی فعالیت اقتصادی نگریسته می‌شود و بر این اساس، کنشگران این عرصه همانند فعالان حوزه اقتصاد، اشخاصی در نظر گرفته می‌شوند که در اقدامات خود، منافع و هزینه‌های رفتارشان را سنجیده و در صورتی اقدام به انجام آن‌ها می‌کنند که منافع آن‌ها را بیش‌تر از هزینه‌ها برآورد کنند. باین‌حال، توجه به رویکردهای اقتصادی در حوزه تغییرات اقلیمی یکی از حوزه‌های مهم در حقوق بین‌الملل است.

براساس سند راهبردی سازمان ملل متحد، مشکل اصلی در قلمروی محیط‌زیست جهانی، تغییرات اقلیمی است. وفق برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل، این مشکل، زوایای مختلفی از جمله سوراخ شدن لایه اوزون، تغییرات اقلیمی، ایجاد گازهای گلخانه‌ای و تأثیر گرم شدن کره زمین بر آلودگی هوا را در برمی‌گیرد (دلال^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۵۰).

باوجود آن‌که شواهد کمی در خصوص تغییرات اقلیمی در سطح جهان وجود دارد، ادله دانش‌بنیان و تجربیات افراد (از جمله وقایع طبیعی غیرمعمول همچون موج گرمای بی‌سابقه در روسیه و باران‌های تابستانی پی‌درپی در کانادا در سال ۲۰۱۰) این نکته را تأیید می‌کند که در بسیاری از نقاط جهان، تغییرات اقلیمی تهدیدی جدی به‌شمار می‌رود. بر اساس برخی یافته‌ها تغییرات اقلیمی به دلایل زیر به وجود می‌آیند: (ابراهیم جلود، ۱۴۰۰: ۷۴).

▪ افزایش جمعیت (ترشح گاز کربن دی‌اکسید).

▪ محصولات کشاورزی (هم‌چون انتشار گاز متان).

▪ جنگل‌زدایی.

▪ تولید برق.

▪ حمل‌ونقل.

▪ مصرف کالاهای تجملی.

تغییرات آب‌وهوایی حاوی این پیام مهم است که تغییرات بزرگ‌تری نیز در راه است. تغییرات اقلیمی، صرف‌نظر از مکان زندگی، رنگ پوست، درآمد، اخلاق، دین و جنسیت، همه افراد جهان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. چگونگی انجام آن نیز به قدرت اصلاح‌پیامدهای مخرب پدیده گرم شدن کره زمین بستگی دارد. از یک‌سو، بالا آمدن سطح دریاها و کاهش یخچال‌های طبیعی، طوفان‌ها و گرمای شدید، علاوه بر آن‌که هشدارهای اساسی در خصوص آب‌وهوای محلی هستند، پیامدهای ناگواری را برای سعادت بشر، حیوانات و محیط‌زیست محلی به وجود می‌آورند. از سوی دیگر، تغییرات اقلیمی نیز دارای ارتباط معنادار با تنوع زیستی است. بر اساس

سند راهبردی سازمان ملل متحد، مشکل اصلی در قلمروی محیط‌زیست جهانی، تغییرات اقلیمی است. وفق برنامه زیست‌محیطی سازمان ملل، این مشکل، زوایای مختلفی از جمله سوراخ شدن لایه اوزون، تغییرات اقلیمی، ایجاد گازهای گلخانه‌ای و تأثیر گرم شدن کره زمین بر آلودگی هوا را در برمی‌گیرد. در مقیاس کلان، مشکل تغییرات اقلیمی با تولید، مصرف، توزیع و تبادل جهانی محصولات دارای ارتباط مستقیم و معنادار است. این مسئله بخش لاینفک اقتصاد سیاسی جهانی، نهادها و تفکرات نظام سرمایه‌داری جهانی به شمار می‌رود. برخی تلاش‌ها به دنبال پیش‌گیری یا جرم‌انگاری خسارات زیست‌محیطی مرتبط با این حوزه است. به‌عنوان مثال، سامانه‌های بین‌المللی قواعد زیست‌محیطی و گسترش قوانین مقابله با آلودگی، در دهه‌های اخیر شکل گرفته‌اند. در سال‌های اخیر نیز برخی از اسناد بین‌المللی به مسئله تغییرات اقلیمی توجه کرده‌اند.

زمینه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات حقوقی با تفسیر و نسخه‌های فراوان به دنبال بهترین نوع برخورد حقوقی و دیپلماتیک با دغدغه‌های زیست‌محیطی هستند. باوجود این، پاسخ‌های سامانمند و مؤثر کماکان ظهور نکرده‌اند. علاوه بر این، شکست تحقیرآمیز مذاکرات سال ۲۰۱۰ کپنهاگ در خصوص انتشار گاز کربن و شناسایی تغییرات اقلیمی به‌مثابه چالشی مهم، مثالی از ناتوانی در دستیابی به هماهنگی بین‌المللی است (شاه محمدی، ۱۳۹۰: ۵۵). باوجود این، جهت‌آرزیابی این سامانه‌ها، تحلیل اثرات واقعی به‌جای ارجاع به قوانین و معاهدات بین‌المللی مفید است.

باتوجه به مطالب مذکور، چنین به ذهن متبادر شده که تغییرات اقلیمی می‌توان جنبه‌های مختلف حقوق اقتصادی را متأثر نماید و از این‌رو محقق بر آن شد که این اثر را از دیدگاه حقوقی مورد مطالعه قرار دهد.

۱. تعهدات اقلیمی کشورها

هدف اصلی از تعهدات کشورها در مسائل اقلیمی، حداقل‌رسانی آثار منفی تغییرات اقلیم می‌باشد. با این هدف کلی، می‌توان جهات همکاری بین کشورها را متصور شد. بدیهی‌ترین راه‌حل برای همکاری بین کشورها در این خصوص، توافقات دو و چندجانبه و همچنین رای‌زنی برای شکل‌گیری کنوانسیون و اسناد حقوقی در این خصوص می‌باشد.

موفقیت یا شکست موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه در مورد تغییرات آب‌وهوایی، بر زندگی روزمره میلیاردها انسان از نسل‌های بعد در سراسر جهان تأثیر خواهد گذاشت. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مجموعه‌ای از قوانین متشکل از معاهدات جهانی، کنوانسیون‌ها، مقررات و خط‌مشی‌هایی باهدف حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی از تأثیرات منفی فعالیت‌های انسانی

است. از دهه ۱۹۷۰ حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان بدعت یک سیستم، قوانین محدود به مسئولیت دولت برای آسیب فرامرزی، تخصیص منابع و پرداختن به مطالبات رقابتی در مناطق فراتر از صلاحیت ملی (برای مثال دریاهای آزاد) توسعه یافت (حسینی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۲۸۰).

در حال حاضر، تمرکز حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پیشگیرانه و احتیاطی برای مدیریت خطر زیست‌محیطی و حفاظت از آن در سطح جهانی است. در طول چند دهه گذشته موافقت‌نامه‌های بین‌المللی الزام‌آوری در ارتباط با حفاظت از محیط‌زیست در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی توسعه‌ای سریع و پویا داشته است.

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ۱۹۷۰ م توسعه یافت و بر مؤسسات و حقوق محیط‌زیست داخلی کشورها تأثیرگذار بود پیش‌نویس اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ م هنگامی که هنوز الزام‌آور نشده بود، مبنایی برای حقوق محیط‌زیست نوین شد (ابووو^۲، ۲۰۲۱: ۴۸). در سال‌های دهه ۱۹۸۰، شواهد علمی نشان داد که انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی خطرهایی برای آب‌وهوای جهان ایجاد می‌کند و به‌این‌ترتیب، افکار عمومی لزوم ایجاد اجلاس‌های بین‌المللی دوره‌ای و تشکیل پیمان‌نامه‌ای برای حل این مسئله را احساس کرد دولت‌ها برای انعکاس افکار عمومی یک سری اجلاس‌های بین‌المللی برگزار کردند و برای بررسی این مسئله خواستار تنظیم قراردادی بین‌المللی شدند. در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمیته مذاکرات بین‌الدول را برای تدوین کنوانسیون تغییر آب‌وهوا تشکیل داد (مارتین^۳، ۲۰۱۸: ۲۰۰). عموم حقوق‌دانان، «حقوق محیط‌زیست» را زیرمجموعه‌ای از حقوق عمومی دانسته و برخی دیگر حسب ایجاد شاخه جدید از علم حقوق، مسائل محیط‌زیستی که تغییرات اقلیمی جزئی از آن است را در این حیطه مورد مطالعه قرار داده که البته هر دو عقیده صحیح می‌باشد. به هر حال حقوق محیط‌زیست روابط بین دولت‌ها با شهروندان را تشکیل داده که علی‌رغم استقلال آکادمیک، جزئی از حقوق عمومی محسوب می‌گردد.

کمیته مذاکرات پیش‌نویس کنوانسیون را تهیه کرد و این پیش‌نویس در تاریخ ۹ می ۱۹۹۲ م در مقر سازمان ملل در نیویورک به تصویب رسید. این کنوانسیون در اجلاس زمین در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو (برزیل) برای امضای اعضای آماده شد. این کنوانسیون در طول جلسه ریو توسط سران کشورها و مقامات ارشد ۱۵۴ کشور دنیا امضا و از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شناخته شد. باتوجه به تعریف این منبع حقوقی در فصل پیشین از تکرار مکررات خودداری شده و

1. Hosseini
2. Ibuowo
3. Martin

تنها اصول مبنایی کنوانسیون که به صورت ذیل طبقه‌بندی شده، تشریح گردیده است (کلیدونستی^۱، ۲۰۱۹: ۶۶۸).

الف) مسئولیت بین‌نسلی و میان‌نسلی طرف‌ها؛ بدین معنی که طرف‌ها متعهدند تا در تحقق اهداف تعیین شده توسط کنوانسیون «مطابق با مسؤولیت‌ها و ظرفیت‌های مشترک، اما متفاوت» خود بکوشند. در ادامه در خصوص این فصل توضیحات بیشتری ارائه گردیده است.

ب) توجه ویژه به کشورهای درحال توسعه که به‌طور خاص در برابر آثار زیان‌بار تغییرات آب‌وهوایی آسیب‌پذیرند.

پ) تمهیدات احتیاطی.

ت) ارتقای توسعه پایدار با سیاست‌ها و تمهیداتی که در برنامه‌های توسعه ملی لحاظ شوند.

همکاری میان اعضاء به‌منظور ایجاد یک نظام اقتصادی بین‌المللی باز و مشوق که به رشد و توسعه اقتصادی پایدار همه اعضاء (به‌خصوص کشورهای عضو درحال توسعه) منجر شود. این‌ها اصولی هستند که باید سرلوحه کوشش‌ها برای تحقق اهداف اصلی کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی قرار بگیرند، که عبارت‌اند از تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو؛ در سطحی که مانع از تداخل فعالیت‌های انسانی خطرناک با سیستم آب‌وهوایی گردد.

این کنوانسیون در ۲۹ ماده به زبان‌های انگلیسی، عربی، چینی، فرانسه، روسی و اسپانیولی توسط دبیرخانه سازمان ملل متحد تهیه و تدوین شده است. اتحادیه اروپا در همین زمینه تنها پیشرو برنامه عملیاتی جهانی در تغییرات آب‌وهوایی است. اتحادیه و همه کشورهای عضو، آن به کنوانسیون تغییر آب‌وهوا و پروتکل کیوتو پیوسته‌اند. این اتحادیه، همچنین از امضاءکنندگان کنوانسیون وین برای محافظت لایه ازن است و مقررات ۲۰۰۰/۲۰۳۷ (EC) NO را با اصلاحیه‌ای برای منع واردی که موجب سوراخ شدن لایه ازن می‌شود، اجرا کرده است. این اتحادیه نقش مهمی در توسعه کاهش میزان انتشار آلودگی مندرج در پروتکل کیوتو دارد و در دسامبر ۲۰۰۹ م برای امضای یک موافقت‌نامه جدید در مورد آب‌وهوا در کپنهاگ تلاش کرد.

پروتکل کیوتو، نخستین موافقت‌نامه اجرایی برای کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی است که در دسامبر ۱۹۹۷ در کیوتو ژاپن به امضاء رسید و در فوریه ۲۰۰۵ اجرایی شد. تا ۲۶ اگوست ۲۰۰۹، پروتکل کیوتو به تصویب ۱۸۸ عضو کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی و جامعه اروپایی و از جمله ۳۶ کشور، صنعتی به‌استثنای آمریکا رسید. پروتکل کیوتو درصدهای کاهش انتشار جمعی گازهای گلخانه‌ای کشورهای صنعتی تا سال ۲۰۱۲ را مشخص نموده است. پروتکل مکانیسم‌های خلاقانه‌ای موسوم به «مکانیسم‌های انعطاف پذیر» را که برای تحقق هدف کاهش انتشار مفید

هستند، معرفی می‌نماید، که عبارت‌اند از:

الف) تجارت انتشار یا کنترل و تجارت.

ب) اجرای مشترک.

ج) مکانیسم توسعه پاک.

سازوکار خاصی که برای پروژه‌های کشورهای در حال توسعه طراحی شده است. به منظور اجرایی شدن این مکانیسم‌ها پروتکل کیوتو مبادرت به ایجاد واحدهای انتشار یا اعتبارات کربن نمود که بازارهای کربن جهان را پررونق ساخته و می‌تواند به عنوان بزرگ‌ترین کالا در سطح جهان معرفی شود.

۱-۱. تعهدات الزام آور

نظام بین‌المللی حقوق بشر شامل تعدادی معاهدات حقوق بشری اصلی، همراه با اسناد معاهدات منطقه‌ای است که با توسعه حقوق بین‌الملل عرفی حمایت می‌شود. به تازگی به پیشرفت درخور توجهی که در زمینه قوانین حقوق بشر در سال‌های اخیر رخ داده است. به تازگی راهی برای افراد/گروه‌ها برای جبران خسارات ناشی از آسیب‌های تغییرات آب‌وهوا پیشنهاد شده است تا به لحاظ کاربردی و در مقایسه با افراد یا جوامعی که آسیب زیست‌محیطی خاصی را متحمل شده‌اند یک حقوق حفاظتی ایجاد نماید. بنابراین، اگرچه نمی‌تواند موجب کاهش یا پیشگیری از تغییرات آب‌وهوایی شود؛ اما می‌تواند عنصر کلیدی عدالت در تغییرات آب‌وهوایی باشد (ایش، ۲۰۱۹: ۱۲).

موفقیت یا شکست موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه در مورد تغییرات آب و هوایی، بر زندگی روزمره میلیاردها انسان از نسل‌های بعد در سراسر جهان تأثیر خواهد گذاشت. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مجموعه‌ای از قوانین متشکل از معاهدات جهانی کنوانسیون‌ها، مقررات و خط‌مشی‌هایی باهدف حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی از تأثیرات منفی فعالیت‌های انسانی است. از دهه ۱۹۷۰، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به عنوان بدعت یک سیستم، قوانین محدود به مسئولیت دولت برای آسیب فرامرزی، تخصیص منابع و پرداختن به مطالبات رقابتی در مناطق فراتر از صلاحیت ملی برای مثال دریاها، آزاد، توسعه یافت. در حال حاضر تمرکز حقوق بین‌الملل محیط‌زیست «پیشگیرانه و احتیاطی» برای مدیریت خطر زیست - محیطی و حفاظت از آن در سطح جهانی است. در طول چند دهه گذشته موافقت‌نامه‌های بین‌المللی الزام‌آوری در ارتباط با حفاظت از محیط‌زیست در هر دو سطح منطقه‌ای و جهانی توسعه‌ای سریع و پویا داشته است.

حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ۱۹۷۰ توسعه یافت و بر مؤسسات و حقوق محیط‌زیست داخلی کشورها تأثیرگذار بود پیش‌نویس اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، هنگامی که هنوز الزام‌آور نشده بود، مبنایی برای حقوق محیط‌زیست نوین شد. در سال‌های دهه ۱۹۸۰، شواهد علمی نشان داد که انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های انسانی خطرهایی برای آب‌وهوای جهان ایجاد می‌کند و به‌این ترتیب، افکار عمومی لزوم ایجاد اجلاس‌های بین‌المللی دوره‌ای و تشکیل پیمان‌نامه‌ای برای حل این مسئله را احساس کرد. دولت‌ها برای انعکاس افکار عمومی یکسری اجلاس‌های بین‌المللی برگزار کردند و برای بررسی این مسئله خواستار تنظیم قراردادی بین‌المللی شدند.

در سال ۱۹۹۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته مذاکرات بین‌الدول را برای تدوین کنوانسیون تغییر آب‌وهوا تشکیل داد. کمیته مذاکرات، پیش‌نویس کنوانسیون را تهیه کرد و این پیش‌نویس در تاریخ ۹ می ۱۹۹۲ در مقر سازمان ملل در نیویورک به تصویب رسید. این کنوانسیون در اجلاس زمین، در ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برزیل برای امضای اعضاء آماده شد. این کنوانسیون در طول جلسه ربو توسط سران کشورها و مقامات ارشد ۱۵۴ کشور دنیا امضا و از تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شناخته شد. ایران نیز در سال ۱۹۹۶ از تصویب هیئت دولت پس و مجلس شورای اسلامی به عضویت این کنوانسیون درآمد. تا تاریخ ۲۶ اوت ۲۰۰۹ این معاهده به تصویب ۱۹۳ طرف رسیده است. اصول مبنایی کنوانسیون عبارت‌اند از:

الف) مسؤولیت بین نسلی و میان نسلی طرف‌ها، بدین معنی که طرف‌ها متعهدند تا در تحقق اهداف تعیین‌شده توسط کنوانسیون مطابق با مسؤولیت‌ها و ظرفیت‌های مشترک اما متفاوت خود بکوشند.

ب) توجه ویژه به کشورهای درحال توسعه که به‌طور خاص در برابر آثار زیان بار تغییرات آب و هوایی آسیب‌پذیرند.

ج) تمهیدات احتیاطی.

د) ارتقای توسعه پایدار با سیاست‌ها و تمهیداتی که در برنامه‌های توسعه ملی لحاظ شوند.
ه) همکاری میان اعضاء به‌منظور ایجاد یک نظام اقتصادی بین‌المللی باز و مشوق که به رشد و توسعه اقتصادی پایدار همه اعضاء (به‌خصوص کشورهای عضو درحال توسعه) منجر شود. این‌ها اصولی هستند که باید سرلوحه کوشش‌ها برای تحقق اهداف اصلی کنوانسیون تغییرات آب و هوایی قرار بگیرند، که عبارت‌اند از: «تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که مانع از تداخل فعالیت‌های انسانی خطرناک با سیستم آب و هوایی گردد.»

این کنوانسیون در ۲۹ ماده به زبان‌های انگلیسی عربی چینی، فرانسه، روسی و اسپانیولی توسط دبیرخانه سازمان ملل متحد تهیه و تدوین شده است. اتحادیه اروپا در همین زمینه تنها

پیشرو برنامه عملیاتی جهانی در تغییرات آب و هوایی است. اتحادیه و همه کشورهای عضو آن، به کنوانسیون تغییر آب‌وهوا و پروتکل کیوتو پیوسته‌اند. این اتحادیه همچنین از امضاکنندگان کنوانسیون وین برای محافظت لایه ازن است و مقررات ۲۰۰۰/۲۰۳۷ NO (EC) را با اصلاحیه‌ای برای منع واردی که موجب سوراخ شدن لایه ازن می‌شود اجرا کرده است. این اتحادیه نقش مهمی در توسعه کاهش میزان انتشار آلودگی مندرج در پروتکل کیوتو دارد و در دسامبر ۲۰۰۹، برای امضای یک موافقت‌نامه جدید در مورد آب‌وهوا در کنپهاگ تلاش کرد.

پروتکل کیوتو، نخستین موافقت‌نامه اجرایی برای کنوانسیون تغییرات آب و هوایی است، که در دسامبر ۱۹۹۷ در کیوتو ژاپن به امضا رسید و در فوریه ۲۰۰۵ اجرایی شد. تا ۲۶ اوت ۲۰۰۹ پروتکل کیوتو به تصویب ۱۸۸ عضو کنوانسیون تغییرات آب و هوایی و جامعه اروپایی و از جمله ۳۶ کشور صنعتی به استثنای آمریکا رسید. پروتکل کیوتو درصدهای کاهش انتشار جمعی گازهای گلخانه‌ای کشورهای صنعتی تا سال ۲۰۱۲ را مشخص نموده است. پروتکل مکانیسم‌های خلاقانه‌ای موسوم به «مکانیسم‌های انعطاف‌پذیر» را که برای تحقق هدف کاهش انتشار مفید هستند، معرفی می‌نماید، که عبارت‌اند از:

الف) تجارت انتشار یا کنترل و تجارت.

ب) اجرای مشترک.

ج) مکانیسم توسعه پاک.

سازوکار خاصی که برای پروژه‌های کشورهای در حال توسعه طراحی شده است. به‌منظور اجرایی شدن این مکانیسم‌ها، پروتکل کیوتو مبادرت به ایجاد واحدهای انتشار یا اعتبارات کربن نمود که بازارهای کربن جهان را پررونق ساخته و می‌تواند به‌عنوان بزرگ‌ترین کالا در سطح جهان معرفی شود.

در عین حالی که ارتباط میان تغییرات آب‌وهوا و حقوق بشر روشن است، تنها در دهه گذشته بود که اعضای حقوق بشر سازمان ملل متحد و دولت‌های ملی در خصوص این موضوع ایجاد اجماع را آغاز کردند و تاکنون به این توافق جمعی رسیده‌اند که تغییرات آب‌وهوا بر تمام جنبه‌های برخورداری کامل از حقوق بشر دخالت دارد. توافق‌های اندکی در مورد ماهیت تعهدات دولت‌ها و بخش خصوصی در زمینه رسیدگی به تأثیر تغییرات آب‌وهوا بر حقوق بشر وجود دارد؛ با این حال اصول خوب و کاربردی و قابل اجرا در این زمینه در حال ظهور است. تعهداتی که در اینجا در مورد آن‌ها بحث گردیده، مواردی هستند که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق بین‌المللی حقوق، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از آن‌ها گفته شده و هسته اصلی قوانین بین‌المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند تعهدات دولت‌ها طبق کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا و سایر موافقت‌نامه‌ها؛ همچنین در

ارتباط با موارد اصلی تعهدات معاهده مورد بحث هستند. شایان ذکر است که تعهدات قانونی کشور، ممکن است بنابر معاهداتی که تصویب کرده‌اند متفاوت باشد.

معمولاً کشورهای بدون حاشیه، در پذیرش تعهدات ناشی از اسناد حقوقی مشکل خاصی ندارند. آنچه تاریخ سیاسی نشان داده کشورهای با حاشیه نیز عمدتاً از توان و فناوری لازم برای تعارض منافع با اسناد بین‌المللی برخوردار نبوده (در خصوص تعارض منافع در ادامه توضیحات بیشتری داده شده است)، لذا ایجاد تعهد برای ابرقدرتهایی که معمولاً از قبال نقض تعهدات دارای منفعت می‌باشند مشکل خواهد بود؛ هرچند که با تلاش‌های بین‌المللی می‌توان این کشورها را به رعایت اصول حقوق بین‌الملل واداشت (روپل^۱، ۲۰۰۸: ۱۰۵). پذیرش این تعهدات مستقیماً بر حقوق عمومی داخلی نیز اثرگذار بوده و از این جهت می‌توان آثار این تعهدات را برای شهروندان کشورهای متعهد، الزامی دانست.

ذیلاً به برخی تعهدات مهم الزام آور حقوقی اشاره شده که اهم آن معاهده پاریس می‌باشد.

راهکارهای رویارویی با تغییرات آب‌وهوایی به دودسته بزرگ تقسیم می‌شوند:

۱- کاهش پیش‌گیری اولیه که شامل اقداماتی برای ایجاد ثبات و یا کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای است.

۲- سازگاری پیشگیری، ثانویه که شامل اقداماتی برای کاهش تأثیر تغییرات آب‌وهوایی بر بهداشت عمومی است.

کمیسیون ۲۰۱۵ لانسست^۲ در مورد بهداشت و تغییرات آب‌وهوایی واکنش‌های لازم را در خصوص تأثیر این تغییرات برای اطمینان حاصل کردن از دسترسی پیدا کردن به بالاترین استانداردهای سلامت برای مردم سراسر جهان به رسمیت شناخت. از آنجاکه تغییرات آب‌وهوایی تأثیر نامطلوبی بر حقوق بشر می‌گذارد، این حقوق باید در طراحی و پیاده‌سازی هر دو اقدام کاهش و سازگاری که در بالا گفته شد، در نظر گرفته شود. سازمان‌های بین‌المللی و دولت در سطح ملی، ایالت / استان و سطوح محلی باید اطمینان حاصل نمایند که در مراحل تدوین و اجرای اقدامات کاهش و سازگاری گفته شده، حقوق بشر را در نظر گرفته‌اند سازمان‌های بشردوستانه و غیردولتی باید دولت‌ها را نسبت به حفظ و ارتقای حقوق بشر پاسخگو نگه دارند.

در این میان زنان و کودکان نسبت به تغییرات آب‌وهوا آسیب‌پذیرترین در مناطق فقیر جهان، اغلب زنان مسئولیت اولیه تهیه مواد غذایی اصلی و تهیه آب و سوخت برای اعضای فامیل را به عهده دارند. کمبود غذا و آب موجب سوءتغذیه کودکان و همین‌طور اختلال آموزش کودکان در مدارس می‌شود (استاونهگان، ۲۰۱۹: ۱۵۰).

1. Ruppel

2. Latest

کوشش‌ها برای استفاده از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حقوق منطقه‌ای و داخلی برای دستیابی به عدالت تغییرات آب‌وهوایی بسیار متنوع و گسترده است؛ برای مثال، در سطح داخلی تعداد فزاینده‌ای از کشورها طرح تجارت انتشار را در سیاست‌های داخلی آب‌وهوایی یکپارچه نموده تمهیدات منطقه‌ای برای مبارزه با تغییرات آب‌وهوا را تأسیس کردند.

۱-۲. تعهدات غیر الزام‌آور

چنانچه اشاره شد، موافقت‌نامه پاریس، به صورت کامل الزام‌آور نبوده و در برخی موارد، به صورت غیرالزام‌آور توصیه‌هایی می‌نماید. دیگر منافع حقوقی نیز از این وضعیت برخوردار بوده و به صورت کلی می‌توان قواعد غیرالزام‌آور در حقوق بین‌الملل را از نظر کمیت بیش از قواعد الزام‌آور دانست (مارتین، ۲۰۱۸: ۲۰۵). اگر کشوری به دلایل مختلف به حضور در مجامع بین‌المللی نیاز داشته و حاشیه پراکنی سیاسی را به زیان منافع خود ببیند، قواعد غیرالزام‌آور را می‌توان به نوع سیاسی بر آن دولت الزام‌آور نمود (موسکن، ۲۰۲۲: ۹۰). این مهم در پاسخ به این سؤال بوده که باتوجه به غیرالزام‌آور بودن برخی قواعد حقوق بین‌الملل، هدف از وضع آن چیست؟ به‌رحال برای تنظیم برخی مبانی، نیاز است که برخی قواعد غیرتعهدی (باتوجه به سهولت وضع آن نسبت به قواعد الزام‌آور) وضع نمود و بر مبنای آن سیاست‌های اجرایی را تنظیم کرد. چنانچه اشاره شد، مقرراتی در موافقت‌نامه پاریس وجود دارد که طبق ضابطه مشخصه حقوقی فوق‌الذکر، نه به‌عنوان تعهدات و نه حتی به‌عنوان قاعده قابل توصیف‌اند. این طیف مقررات فاقد چارچوب هنجاری وجود داشته که میان طرف‌ها تفاهم ایجاد نموده و جزئیات مفصلی در خصوص سیاق عبارت ارائه داده‌اند. چند مورد از چنین مقرراتی در بخش انطباق با تغییرات اقلیمی وجود دارد.

در بند ۲ ماده ۷ طرف‌ها تصدیق می‌کنند که انطباق با تغییرات اقلیمی یک چالش جهانی است.

در بند ۴ ماده ۷ طرف‌ها تصدیق می‌کنند که نیاز جاری برای انطباق با تغییرات اقلیمی ضروری است.

در بند ۵ ماده ۷ طرف‌ها اذعان می‌کنند که اقدامات مربوط به انطباق با تغییرات اقلیمی بایستی یک رویکرد کشور محور را دنبال کنند.

در بند ۶ ماده ۷، طرف‌ها اهمیت حمایت از تلاش‌های مربوط به انطباق با تغییرات اقلیمی را مورد شناسایی قرار می‌دهند.

این مقررات به صورت کلی نسبت به طرف‌ها اعمال می‌شوند و خط‌مشی و مسیر اجرایی را چه در قالب الفاظ دستوری توصیه‌ای یا حتی به شیوه‌های ترغیب‌کننده تجویز نمی‌کند. این

مقررات چارچوب اطلاعاتی و اعلانی را ایجاد می‌کنند و اطمینان متقابل در خصوص ماهیت مسائل مورد بررسی، شیوه‌های خاص رویارویی با آن‌ها و دسترسی به حمایت‌ها برای انجام چنین اقداماتی را به وجود می‌آورند در عمل به چنین مواردی این مقررات کارکرد اساسی دارند. این مقررات درک مشترک را ایجاد می‌کنند مبانی و اصول مفهومی مشترک را تأیید می‌کنند و همبستگی و انسجام را در رویارویی با مشکلات مورد توجه قرار می‌دهند درحالی‌که چنین مقرراتی معمولاً همسان مقررات اجرایی در یک معاهده نیستند؛ اما با توجه به بسته پیشنهادی موافقت‌نامه پاریس لازم هستند و در حقیقت برای بسته پیشنهادی پاریس ضروری‌اند.

موافقت‌نامه پاریس معاهده‌ای است که در چارچوب کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در خصوص حقوق معاهدات قرار می‌گیرد و حقوق بین‌الملل بر آن اعمال می‌گردد و اثر حقوقی دارد. اما می‌تواند متضمن آمیزه‌ای از مقررات «الزام‌آور» و «غیرالزام‌آور» باشند. بنابراین، ضرورتاً تمام مقررات پاریس ایجاد تعهد حقوقی نمی‌کند این موافقت‌نامه مستقل از کنوانسیون چارچوب نبوده و تابع کنوانسیون است و بر این اساس مقررات کنوانسیون راهنمای تفسیر موافقت‌نامه است و از نتایجی که مغایر با کنوانسیون باشد جلوگیری می‌کند. موافقت‌نامه مذکور به دنبال یافتن راه میانه بین پروتکل کیوتو که رویکردی بالا به پایین داشت و توافق کپنهاگ که رویکردی پایین به بالا داشت آمیزه‌ای از هر دو رویکرد را انتخاب می‌کند این موافقت‌نامه رویکرد پایین به بالا را به منظور ارتقای انعطاف‌پذیری در تعهدات و مشارکت، بیشتر با رویکرد بالا به پایین قواعد بین‌المللی به منظور افزایش بلندپروازی و پاسخگویی ادغام می‌کند.

ماحصل بحث اینکه مقررات غیرالزام‌آور می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری‌هایی باهدف الزام‌آور شدن آن‌ها باشد و این مهم در حقوق بین‌الملل مرسوم می‌باشد. لذا نمی‌توان از این قواعد غافل شد و در انتها ممکن است به قواعد الزام‌آوری بر دولت‌ها مبدل شده که تعهد حقوقی برای آن‌ها ایجاد می‌نماید.

۳-۱. مسائل حقوق بشری

معاهدات اصلی حقوق بشری یک حق مستقل برای داشتن محیط‌زیست سالم و پاک را به رسمیت نمی‌شناسند. با این حال به‌طور کلی همه مستحضر هستند که وضعیت نامناسب محیط‌زیست می‌تواند بر برخورداری از بسیاری حقوق؛ از جمله حق بر زندگی، سلامتی، آب و غذا اثرگذار باشد. برخی معاهدات حقوق بشری سازمان ملل، به‌روشنی این ارتباط را تعریف می‌کنند؛ برای مثال میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی کشورها را به اتخاذ اقداماتی که ممکن است برای بهبود تمام جنبه‌های بهداشت صنعتی و محیط‌زیست لازم باشد به‌منظور درک کامل حق بر بهداشت سوق می‌دهد. کنوانسیون حقوق کودک کشورها را به در نظر گرفتن

خطرهای آلودگی محیط‌زیست» برای تضمین اجرای کامل حق بر سلامتی برای کودکان معطوف می‌کند.

به‌علاوه، اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ م حق اساسی برای آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن یک زندگی با منزلت و مرفه را اجازه می‌دهد؛ به رسمیت شناخته است. علی‌رغم این که این بیانیه به‌ظاهر حق داشتن یک محیط‌زیست مناسب را به رسمیت شناخته است؛ اما فاقد نیروی الزام‌آور است. با این حال، همان‌طور که توسط دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر اشاره شده این اعلامیه منعکس‌کننده به رسمیت شناختن وابستگی و روابط متقابل حقوق بشر و محیط‌زیست است. کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به نتایجی رسید که توسط کارشناسان مستقل حقوق بشر سازمان ملل و گزارش نقشه‌برداری ۲۰۱۳ حمایت می‌شود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که قوانین حقوق بشر شامل تعهدات مربوط به محیط‌زیست است که شامل هر دورویه تعهدات و تعهدات اساسی است. درنهایت، حق داشتن محیط‌زیست پاک نیز صراحتاً در قوانین اساسی داخلی کشورها و یا بسیاری از موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و یا تفسیر آن‌ها گنجانده شده است (علیخانی، ۱۳۹۷: ۵۸).

تغییرات آب‌وهوایی در حال حاضر مانع از تحقق طیف وسیعی از حقوق بشر که از جانب جامعه بین‌المللی حمایت شده؛ از جمله حق بر آب، غذا، سلامتی و مالکیت، و حقوق مرتبط با، معاش، فرهنگ مهاجرت اسکان مجدد و امنیت شخصی در هنگام مخاصمات شده است. منابع الزام آور اصلی حقوق بشر همان‌طور که ذکر شد عبارت‌اند از: حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که هر دو الهام گرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ هستند. همچنین، موافقت‌نامه‌های الزام آور منطقه‌ای حامی حقوق بشر در اروپا آمریکا و آفریقا وجود دارند. این اسناد بین‌المللی عمدتاً از آسیب‌های قدیمی به حقوق بشر سخن گفته‌اند؛ نه از آسیب‌های جدید و اضافی تغییرات آب‌وهوایی در آینده (محمدی، ۱۳۹۹: ۸۵). در راستای پرمودن این خلأ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل گزارشی را منتشر نمود که به تصویب دهمین اجلاس ویژه شورای حقوق بشر رسید. گزارش مزبور حامی رویکرد مبتنی بر حقوق بشر در مقابله با تغییرات آب‌وهوایی و راهبردهایی بود که اشخاص و گروه‌ها را به‌جای قربانیان؛ و منفعل، به‌عنوان عناصر فعال تغییر، توانمند سازد. اصل ۱۰ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ بیان می‌کند مسائل مربوط به محیط‌زیست هنگامی به بهترین نحو حل‌وفصل می‌شوند که کلیه شهروندان در سطوح مناسب در آن مشارکت داشته باشند. در سطح ملی هر فرد باید به اطلاعات مربوط به محیط‌زیست که در اختیار مقامات عمومی است از جمله به اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرآفرین موجود در جوامع خویش دسترسی داشته و امکان شرکت در فرایند تصمیم‌گیری را داشته باشد.

دولت‌ها از طریق اشاعه عام اطلاعات مربوط به محیط‌زیست، باید برای ترویج و افزایش آگاهی عمومی در این زمینه بکوشند. دسترسی مؤثر به مذاکرات اداری و قضایی؛ از جمله تصمیمات اصلاحی گرفته شده باید تأمین گردد (امینی نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۲). به علاوه، در این گزارش تأثیر تغییرات آب‌وهوایی بر روی کسانی که به علت فقر، جنسیت، سن، معلولیت و اقلیت بودن در شرایط آسیب‌پذیر زندگی می‌کنند، برجسته شده است. شورای حقوق بشر، در همان اجلاس قطعنامه‌ای در زمینه حقوق بشر و تغییرات آب‌وهوایی، با تأکید ویژه بر حق مسکن و استاندارد مناسب زندگی برای جمعیت‌های فقیر مورد تهدید، به تصویب رساند.

در مارس ۲۰۰۸ شورای حقوق بشر به اتفاق آراء قطعنامه ۲۳/۷ را در مورد حقوق بشر و تغییرات آب‌وهوا به تصویب رساند که بیان می‌دارد این تغییرات تهدیدی بدیهی و گسترده علیه مردم و جوامع در سراسر جهان و دارای پیامدهای همه‌جانبه بر حقوق بشر است. این شورا قطعنامه (۴/۱۰) دیگری را در مارس ۲۰۰۹ پذیرفت که خاطر نشان می‌سازد، تغییرات اقلیمی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر حقوق بشر دارد و افراد و جوامع آسیب‌پذیر که بیشترین تأثیرپذیری را دارند معرفی می‌کند. پروتکل کیوتو در ۱۹۹۷ پذیرفته و در ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شد. این پروتکل الحاقی به کنوانسیون تغییر آب‌وهوا کاهش تولید آلاینده‌ها و محدودیت تعهدات کشورهای صنعتی را تحمیل می‌کند. در دسامبر ۲۰۱۰، اعضای کنوانسیون تغییر آب‌وهوا و پروتکل کیوتو، مجموعه‌ای از تصمیمات جمعی را با عنوان «موافقت‌نامه کانکون» به تصویب رساندند که شامل ارجاعات متعدد به حقوق بشر است (زمانی و آدمی، ۱۳۹۵: ۸۰).

۱-۳-۱. حقوق بشر نسل سوم

حقوق همبستگی متفاوت از آزادی‌های بنیادین حقوق بشری می‌باشد. اسناد بین‌المللی حقوق بشر با تأکید بر این که قلمرو مفاهیم و نسل‌های حقوق بشری به‌مثابه یک کل واحد می‌باشد که می‌باید مورد رعایت و احترام قرار بگیرد و اینکه اگر دولت‌ها تعهدات خود را متوقف کردند باید مسئله اقدام بین‌المللی مطرح شود در چنین شرایطی کل جامعه بین‌المللی باید جای دولتی را بگیرد که نتوانسته است به تعهدات خود عمل نمایند.

طبق بند ۲ ماده ۲ میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت باید بهترین تضمین‌کننده حقوق بشر باشد و بند آخر ماده ۱ اعلامیه اجلاس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ نیز تأکید نموده است که نخستین وظیفه همه حکومت‌ها حفاظت و ارتقاء حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است اما تفاوت مهم حقوق بشر سستی و نوین در این است که بر اساس حقوق بشر سستی، دولت‌ها حقوق بشر را از مسائل مربوط به قلمرو صلاحیت داخلی خود می‌دانند و به موضوعی که بایستی توسط حقوق بین‌الملل بدان رسیدگی شود و سازمان‌های فراملی اجازه

ندارند وضعیت رعایت حقوق بشر را در قلمرو ملی نظارت کرده و به ارزیابی ابعاد آن بپردازند. به عبارت دیگر، رفتار یک دولت با اتباع خودش نمی‌تواند در صلاحیت نظارت خارجی قرار گیرد و تحقق چنین امری در واقع چشم‌پوشی از اعمال حاکمیت ملی است (رجاعه^۱، ۲۰۲۱: ۷۴).

این تحولات در شرایط و اوضاع و احوال کوتی منجر به تولد و تکوین نسل جدیدی از حقوق بشر تحت عنوان «نسل سوم» شده که به آن حقوق همبستگی می‌گویند. این حقوق، نه جایگزین حقوق بشر موجود در جامعه جهانی می‌شود و نه به آن وابسته است، بلکه شناسایی این حقوق به منزله پاسخی است که جامعه بین‌المللی در برخورد اوضاع و احوال متحول و متغیر، به آن نیازمند است.

با افزایش تعداد کشورهای تازه استقلال یافته و رها شده از استعمار، در پیکره سازمان ملل متحد به تدریج مطالبات روزافزون این دسته از کشورها به منظور جبران عقب‌ماندگی‌های خویش و بهره‌مندی از تسهیلات بیشتری از کشورهای توسعه یافته غربی مشاهده می‌شود.

با این روند به نظر می‌رسد که در قلمرو مباحث حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل با یک تحول مفهومی از تبعیض روبرو بوده که به تعبیر بهتر، تبعیض‌های جبران‌ساز یا مثبت را با یک سری شرایط خاص، عین عدالت و ضرورت جامعه جهانی امروز تلقی می‌کند. دوپایه شعار انقلاب فرانسه که ناظر بر آزادی و برابری است در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی به صورت قواعد حقوقی گنجانده شده‌اند اما حقوق مربوط به عنصر سوم شعار این انقلاب یعنی برادری و تکالیف مربوط به آن، قالب و شکل حقوقی نیافته‌اند. البته در دهه گذشته خصوصاً در بیست‌سالگرد تدوین اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه این انتقاد از سوی برخی متفکرین فلسفی حقوقی ابراز شد که در جهان کنونی، عدم تساوی در برخورداری از امکانات مادی، مفهوم مطلق از آزادی و برابری را برآورده ساخته و حتی می‌توان گفت این دو در مواردی با یکدیگر تداخل و تعارض پیدا می‌کند. علاوه بر آن در طی انقلاب کبیر فرانسه، مفهوم برابری به درستی مورد توجه نبوده، چراکه حقوق زنان نادیده گرفته شده و برابری تنها میان مردان مطرح بوده است. همین‌طور مدعی بودند که شعار برادری نباید مطرح شود از آنجاکه برادری، ریشه در حرکت‌های ایدئولوژیک دارد و این در حالی است که انقلاب فرانسه، انقلابی فاقد خصیصه ایدئولوژیک می‌باشد. در دو دهه اخیر، این سؤال مطرح گردید که آیا نباید حقوق بشری مبتنی بر برادری و همبستگی ضروری و آشکار انسان‌ها داشت. پاسخ، عموماً این بود که نیازهای عصر حاضر، توسعه حقوق مربوط به برادری را حال تحت عنوان بانام جدیدی که برای آن انتخاب شود، مثلاً حقوق همبستگی در پی خواهد داشت. به عنوان مبنایی‌ترین مقوله‌ای که تحولات حقوق بین‌الملل و

نظام بین‌المللی حقوق بشر به خود دیده است، می‌توان دگرگونی بنیادین مفهوم حاکمیت کشورها را به‌عنوان اصلی‌ترین عاملی که در صحنه جامعه بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند، بیان نمود. اگر در حقوق بین‌الملل کلاسیک مفهوم حاکمیت، اقتدار و صلاحیت بی‌چون‌وچرای قدرتمندان در اجرای اختیارات خود بود امروزه شاهد آن بود که حاکمیت، معنایی بسیار محدودتر از پیش را در برداشته که می‌توان قواعد حاکم بر حقوق بین‌المللی کیفری را نمونه‌ای از آن برشمرد. با تحولاتی که مفهوم حاکمیت بر خود می‌بیند، می‌توان الزام هر کشور را به رعایت از موازین و هنجارهای بنیادین حقوق بشر و تعهد وی به گسترش همیاری و همکاری بین‌المللی در قالب حقوق همبستگی مفروض داشت.

۲-۳-۱. حامیان حقوق بشر

حق به محیط‌زیست سالم به‌طور کلی مستقل از حقوق محیط‌زیست تلقی می‌شود. طرفداران حقوق بشر حتی به محیط‌زیست را به‌عنوان یک حتی مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط‌زیست باکیفیت به رسمیت می‌شناسند. حتی به محیط‌زیست هم منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق به حیات، حتی سلامتی، حق به زندگی با استاندارد است و هم با پیش‌نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد (دلال و همکاران، ۲۰۱۸: ۸۴۷).

تعاریف گوناگونی از محیط‌زیست در متون داخلی و اسناد بین‌المللی وجود دارد، از جمله کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه بیان می‌کند که محیط‌زیست جایی است که در آن زندگی می‌شود. همچنین متن حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا، در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ در تعریف محیط‌زیست می‌گوید: «محیط آزمودن شامل آب، هوا خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد.»

حقوق محیط‌زیستی، به‌عنوان شاخه‌ای از حقوق بشری، نخستین بار در اعلامیه استکهلم در کنفرانس ملل متحد در مورد محیط‌زیست که از تاریخ ۵ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ م تشکیل گردید مطرح شد و مورد تصویب قرار گرفت. در مقدمه بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست در سال ۱۹۷۲ م در استکهلم تعریف دیگری خطاب به دولت‌ها ارائه می‌شود: انسان مخلوق و شکل‌دهنده محیط‌زیست خود است. محیطی که به او بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) اعطاء می‌کنند و همچنین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را مجموعه قواعد حقوق بین‌المللی می‌داند که هدف آن حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی آن است (دام^۱، ۲۰۲۱: ۲۵).

حیات انسان‌ها و موجودات زنده ارتباط پیوسته و استواری با طبیعت و محیط‌زیست دارد و این امر نیز مسلم است که هر چه محیط‌زیست سالم‌تر باشد، میزان انتفاع بشر از آن به مراتب بیشتر خواهد بود. لذا به تدریج این طرز فکر شکل گرفت که حتی بر محیط‌زیست سالم یکی از حقوق اساسی و بنیادین انسان است، توجه جامعه جهانی زمانی به این قضیه معطوف گشت که بعد وسعت ویرانی‌ها در قبایل عملکرد انسان‌ها دامن‌گیر طبیعت شده بود. وضع قواعد حقوقی در این راستا یکی از تلاش‌هایی بود که انتظار جامعه جهانی را تا حدودی برآورده ساخت و حق بر محیط‌زیست سالم در همین راستا در حقوق بشر به رسمیت شناخته شد. در آغاز دهه ۱۹۷۰ با تعریفی که از «حق بر محیط‌زیست سالم» وجود داشته است. این حتی به عنوان یک حق اساسی در مجموعه جدیدی از حقوق بشر تحت عنوان نسل سوم مورد توجه واقع شده است. بحث حقوق بشر و محیط‌زیست مباحث چالان قدیمی نیستند، اما ارتباط این دو در قالب حقوق همبستگی موضوع جوانی است. اهمیت حفظ محیط‌زیست بر کسی پوشیده نیست و به تبع آن ایجاد و تحول حقوق و تکالیف مربوط به آن از مسائل بسیار مهمی است که در روزگار ما کارشناسان و محققان داخلی و بین‌المللی را واداشته تا در جهت رشد و کمال آن به بحث، بررسی و اقدام بپردازند، امروزه موضوع محیط‌زیست بسیاری از مسائل را دربر می‌گیرد از جمله آب‌وهوا گرمای جهان، بالا آمدن سطح دریاها، حفظ گونه‌های گیاهی و حیوانی، فرسایش لایه اوزون، آثار فعالیت‌های صنعتی ناشی از اعمال انسان، تخریب جنگل‌ها و بسیاری مسائل دیگر از این قبیل (دوهان، ۲۰۲۱: ۲۹۱).

برخلاف نسل‌های اول و دوم، نسل سوم حقوق بشر و به‌طور خاص، حق بر محیط‌زیست دارای ماهیتی دوعده‌ای است. بدین ترتیب که حتی بر محیط‌زیست، هم بعد فردی دارد و هم بعد جمعی، بعد فردی حق بر محیط‌زیست، حق هر قربانی تخریب محیط‌زیست است که از تمامی فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست جلوگیری کرده و خود نیز از آن خودداری کند حق جمعی نیزه نشانگر وظیفه دولت‌ها در مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی و با کمک به این همکاری‌ها برای حل مسائل زیست‌محیطی در سطح جهان است. بعد جمعی حق بر محیط‌زیست، بیانگر این واقعیت مهم است که تمام دولت‌ها و دیگر بازیگران در عرصه بین‌المللی، باید منافع نوع بشر را به منافع فردی مقدم دارند به عبارت دیگر، در مقایسه با دو نسل قبلی حقوق بشر، خصوصیت حقوق همبستگی من جمله حق بر محیط‌زیست آن است که این حقوق در عین حال هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه از دولت هستند، یعنی فردی که از یک مشکل زیست‌محیطی آسیب دیده باشد، بتواند ادعای خسارت کند و دولت باید با مستقیماً به جبران خسارت قربانی بپردازد و با راهکارهایی ارائه دهد که قربانی از طریق آن‌ها بتواند خسارت را از بخش خصوصی وصول کند (دومانلی، ۲۰۲۱: ۴۰).

۱-۲-۳. بعد اجرایی و پیگیری

نهاد مؤثر در این زمینه که تأسیسی غیر حقوق بشری در نظام ملل متحد نیز محسوب می‌شود، برنامه محیط‌زیست سازمان ملل می‌باشد که حاصل برآیند کنفرانس استکهلم بوده و ورود آن به نظام ملل متحد همراه با تحولات مهم منطقه‌ای و جهانی بوده است. این رکن به‌طور کلی وظیفه ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی، روبه‌سازی، برگزاری کنفرانس‌ها، وضع قواعد و مقررات و گزارش‌گیری و به‌طور کلی، هدایت جریان محیط‌زیست ملل متحد را بر عهده دارد (فیروزی، ۱۴۰۰: ۶۸). سیستم عملی شاخصی را در جلب توجه بین‌المللی به مسائل محیط‌زیست را ایجاد داشته است و ظرفیت تأثیرگذاری این نهاد در ظرف چند سال پس از تأسیس بندری شناخته شد، که در اجلاس محیط‌زیست و توسعه ۱۹۸۹ م از اکوسوک و بوئپ مشترکا برای مشارکت دعوت به عمل آمد و تا طرح‌ها و زمینه‌های ارتقاء توسعه پایدار و محیط‌زیست سالم را هم‌زمان مورد ارائه دهند (ابراهیم جلود، ۱۴۰۰: ۹۵).

درست یک سال پس از حیات بین‌المللی بونپ، باتوجه به گرایش‌های اقتصادی مطروحه در ملل متحد مجمع عمومی، اقدام به تأسیس کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه نمود. این اقدام باعث شد در گزارش‌های یوئپ پس از ۱۹۸۷، میان توسعه و رعایت الزامات زیست‌محیطی (توسعه پایدار) تمرکز بیشتری شود و برای یونپ در سال‌های بعدی، زمینه ورود به این قلمرو نیز حاصل گردد (قنبری، ۱۳۹۹: ۴۷). بطوریکه در سال‌های بعدی یعنی از دهه نود شین توپ و دیگر نهادهای سازمان ملل مرتبط با توسعه و مانند همچون بانک جهانی و یونیدو، همکاری برای نظارت بر اجرای پروژه‌های جاری رخ داد. در بعد درون‌سازمانی به این نهاد به شورای اقتصادی و اجتماعی گزارش می‌دهد و پس از تأسیس نقش مهمی در پیشبرد مجموعه‌ای از فعالیت‌های مربوط محیط‌زیست در نظام ملل متحد داشته است بطوریکه به این نهاد در تدوین برخی از معاهدات شاخص مربوط به محیط‌زیست نیز، ایفای نقش نموده است که برای نمونه می‌توان به کنوانسیون وین در رابطه با لایه اوزون یا کنوانسیون تهران مربوط به دریای خزر اشاره نمود. اما مهم‌ترین نکته قابل اشاره در این بخش نگرش این نهاد به مسئله محیط‌زیست است که فارغ از نوگرایش عمده یعنی محیط‌زیست مبتنی بر حقوق بشر با ارزشمندی صرف محیط‌زیست، منجر به ارتقاء محیط‌زیست جهانی گردیده است.

۱-۲-۳. بعد نظارتی

در عرصه جهانی مسئله محیط‌زیست پایدار به‌عنوان یک حق انسانی و در گروه‌های حقوق بشر و کمیسیون فرعی مبارزه با تبعیض مورد رسیدگی قرار گرفته است. از آنجاکه نونهاد مذکور به طیف گسترده‌ای از موضوعات مربوط به حقوق بشر می‌پردازند و این تأسیس است و در کنار

رسیدگی به زمینه‌های با ویژگی‌های اقتصادی و فناورانه مرتبط با حقوق بشر در بحث‌های مربوط به جلوگیری از آسیب و فعالیت‌های آسیب را به محیط‌زیست نیز زود یافته‌اند، که تا حد قابل قبولی، در حفاظت از محیط‌زیست مؤثر است. در این راستا و به‌عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۰ کمیسیون حقوق بشر گزارشگر ویژه‌ای درباره زباله‌های سمی و محیط‌زیست تعیین نمود، و یا در سال ۱۹۹۹، کمیسیون فرعی در گزارش خود به‌نگام بررسی وضعیت حقوق بشر در کشور کامبوج با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و نحوه زندگی و وابستگی شدید مردمان آن سرزمین به محیط‌زیست آن کشور، به بررسی مسئله محیط‌زیست سالم پرداخت و در این زمینه توصیه‌های را بیان داشت. باید توجه داشت که صرف این روش، اهمیت بسزایی در اجرایی شدن مفهوم حق بر محیط‌زیست سالم به‌طور عملی گذارده است (اسلامی، ۱۳۹۷: ۴۸).

در کنار نظارت مطرح‌شده فوق، برخی معاهدات جهانی شمول حقوق بشر، ارتباط میان انسان و محیط زیسته را تأکید داشته و باتوجه به سازوکار اجرایی‌شان، رکنی برای نظارت بر اجرای معاهده تأسیس داشته که برای نظارت دقیق بر اجرای مفاد معاهده، نوعی آنان رسیدگی و فضای بیش بینی نموده‌اند (فضائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۰). از جمله این نهادها، می‌توان به کمیته بحر تبعیض نژادی و کمیته منع شکنجه و کمیته حقوق بشر سازمان ملل، کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان و کمیته حقوق اقلیت‌ها اشاره داشت، که در رسیدگی به گزارش‌های و بخشی از شکوائیه‌های فراتر، به دلیل قابل تفسیر بودن موضوعات مندرج در معاهده موسسه و تفاسیر صورت گرفته از محتوای آن و واحدی به مسائل زیست‌محیطی بشر نیزه ورود یافته‌اند که در مجموع در روند نظارتی و مؤثر واقع خواهند بود.

۴-۱. پیشنهاد تاسیس دیوان محیط‌زیست

باتوجه به اینکه عالی‌ترین مقامات قضائی در سطح بین‌الملل، دیوان می‌باشد و نتیجه عملکرد آنها نسبتاً قابل قبول است، پیشنهاد تاسیس دیوان محیط‌زیست ارائه گردیده است. این سوال مطرح است که یک دیوان بین‌المللی محیط‌زیست چطور می‌تواند اجبار و صلاحیت جهانی را توجیه کند؟ پاسخ آن بر دو پایه نظری ارتباطات علمی فوق‌العاده استوار شده است؛ اول حفاظت از محیط‌زیست باید به‌عنوان نگرانی مشترک بشریت در نظر گرفته شود؛ دوم، این مسئله در ماهیت آن ناشی از نگرانی مشترک بشریت به‌هنگارهای حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان قاعده آمره است. به‌این‌ترتیب، یک تعهد عام‌الشمول در پذیرش و اجرا پدید آمد دیوان بین‌المللی محیط‌زیست نمی‌تواند دیوان اختصاصی باشد؛ بلکه می‌تواند دیوان دائمی با سطح بالایی از تخصص فنی باشد (جانسون^۱ و هوفمکال^۱، ۲۰۲۰: ۳۷).

دیوان بین‌المللی دادگستری تنها دادگاه بین‌المللی باصلاحیت جهانی و با ملاحظات زیست‌محیطی است. علی‌رغم تأسیس یک شعبه ویژه برای رسیدگی به مسائل محیط‌زیست در سال ۱۹۹۳ از سال ۱۹۴۵ تنها دوازده مورد به دیوان ارسال شده است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از کانال، کو رفو گابچیکو و ناگیماروس، آزمایش‌های هسته‌ای ولد بارسلونا تراکشن نام برد (ایوب^۲ و لوسیر^۳، ۲۰۲۰: ۴۵۱).

مهم‌ترین پیشرفتی که به‌وسیله حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در دهه‌های اخیر به‌دست‌آمده ارتباط میان حفاظت بین‌المللی محیط‌زیست و نیاز به طبقه‌بندی نهادی جدید ایجاد یک دیوان بین‌المللی را که انحصاراً به موضوع محیط‌زیست بپردازد توجیه می‌کند.

سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی بسیار فعال و با توسعه حقوق بین‌الملل در ارتباط است. این سیستم به‌عنوان مدلی برای حل اختلاف بین‌المللی محیط‌زیست موردتوجه قرار گرفته است. با این حال برای همه مشکلات مربوط به حوزه حقوق محیط‌زیست کاربرد ندارد. دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها نیز ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند موردتوجه دیوان بین‌المللی محیط‌زیست قرار گیرد. بخش پنجم از کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل، سیستم جامع و فراگیری برای حل و فصل اختلافات مربوط به تفسیر کنوانسیون ایجاد کرده است. این سیستم از کشورهای عضو درخواست کرده برای حل اختلافات از روش ذکرشده در منشور سازمان ملل استفاده کنند و اگر نتوانستند به یک توافق دست یابند، باید به یک سیستم حل اختلاف گردن نهند و مطابق آن تصمیم عمل نمایند (جانسون و هوفمکال، ۲۰۲۰: ۴۲).

در دهه ۱۹۷۰ م تعداد انگشت‌شماری دادگاه تخصصی محیط‌زیست عمدتاً در اروپا وجود داشت. در سال ۲۰۰۹ زمانی که نخستین مطالعه جهانی در مورد دیوان‌ها و دادگاه‌های محیط‌زیستی انجام گرفت ۳۵۰ دادگاه می‌تواند به ثبت برسد. در حال حاضر، پس از گذشت تنها ۷ سال طبق گزارش سال (۲۰۱۶) بیش از ۱۲۰۰ دادگاه در حداقل ۴۴ کشور، در سطوح ملی یا ایالتی استانی؛ از جمله واحدهای محلی (منطقه‌ای) / شهری که

بخشی از سیستم دیوان محیط‌زیست ملی یا ایالتی استانی هستند ایجاد شده‌اند.

دادگاه‌ها و قانون‌گذاران، چندملیتی همچون اتحادیه اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا بر اجرای قوانین محیط‌زیستی و دسترسی به عدالت زیست‌محیطی در کشورهای عضو تأثیر دارند اقدامات اجرایی اتحادیه اروپا و دیوان دادگستری اتحادیه اروپا به‌ویژه باتوجه به کاربرد اصول کنوانسیون آرهای دسترسی به عدالت در سوئد انگلستان و ایرلند نسبت به سایر کشورهای

1. Hofmockel
2. Ayoob
3. Lussier

اتحادیه اروپا پیشرفت بیشتری داشته است.

اقدامات الزام آور قضایی در حوزه معاهدات محیط‌زیستی نسبت به سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل همچون حفاظت از سرمایه‌گذاری کمتر معمول است. با این حال، شمار اختلافات مطرح شده در دادگاه‌های بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست؛ چه از نظر قوانین داخلی، چه معاهدات محیط‌زیستی و یا معاهدات اقتصادی رو به افزایش است. تعیین مصادیق اختلافات محیط‌زیستی با چالش‌های متعددی روبه‌روست. نخستین مورد اینکه تعریف مشخصی از اختلافات محیط‌زیستی وجود ندارد؛ دوم اینکه غیرمعمول است که در یک اختلاف حقیقی یا حقوقی به‌طور انحصاری به محیط‌زیست پرداخت. سوم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست یک سیستم جامع و مستقل نیست و زبان معاهدات آن اغلب به‌جای قانونی معنادار مبهم است

دو تعهد بین‌المللی بسیار مهم در سال ۲۰۱۵ که موجب اختلافات زیست‌محیطی می‌شود، نیاز به اختصاص نوعی تخصص دیوان‌ها و دادگاه‌های محیط‌زیستی را فراهم می‌کند: دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار و موافقت‌نامه تغییرات آب‌وهوایی پاریس ۲۰۱۶ برخی از مسائل تغییرات آب‌وهوا و اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ راه خود را در دادگاه‌ها از جمله دیوان‌ها و دادگاه‌های محیط‌زیستی پیدا کردند، و نیاز به بررسی تخصصی این مسائل برای تشویق به ایجاد و بهبود این دادگاه‌ها انتظار می‌رود تغییرات آب‌وهوایی حتی پیش از توافق‌نامه ۲۰۱۶ پاریس، موجب دعاوی و تصمیمات قضایی بسیاری بوده است (ایوب و لوسیر، ۲۰۲۰: ۴۵۲).

وینسون اندرسون، قاضی دیوان دادگستری کارائیب خاطر نشان می‌کند بدون هماهنگی و یکپارچگی محیط‌زیستی هرگونه اشاره به حقوق بشر تا حدود زیادی توهم است. هیچ دادگاه بین‌المللی که یک شعبه اختصاصی برای محیط‌زیست با قضات حرفه‌ای در حوزه علوم محیط‌زیست داشته باشد که به‌وسیله مشاوران علمی مستقل پشتیبانی شوند وجود ندارد دادگاه‌های بین‌المللی به شفاف‌سازی معانی و اثر هنجارهای معاهده، برای شناسایی وجود هنجارهای عرفی کاربرد عمومی و ایجاد نقش مرکزی بیشتر برای ملاحظات زیست محیطی در نظام حقوقی بین‌المللی اقدام کردند.

نخستین ویژگی اصلی حوزه محیط‌زیست این است که دیوان و دادگاه‌های بین‌المللی با یک ویژگی و نه منحصر به فرد مواجه هستند: توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست که گاهی مواقع در معاهدات بین‌المللی شامل میزان بالایی از سازگاری است. به بیان دیگر نهاد قانون‌گذار قضاوت بین‌المللی را با مجموعه‌ای از قوانین و اصول که می‌تواند تا حدودی هم مبهم باشند ارائه کردند به اصطلاح برای تفسیر قواعد مبهم، یک دیوان بین‌المللی زمانی که درخواست می‌گردد قانون در موارد پرونده‌های ویژه اعمال شود، با یک مشکل واقعی مواجه می‌شود.

دومین ویژگی مسائل محیط‌زیستی این است که همواره در صدر دعاوی علمی هستند. یک دادگاه اغلب برای رسیدگی به دو دیدگاه کاملاً متفاوت تشکیل می‌شود: بخش عظیمی مربوط به استدلال‌های علمی است هزاران صفحه در قضیه گابچیکو و ناگیموروس که ممکن است به نحوی به همان اندازه قانع‌کننده ارائه شود. برخلاف بسیاری از سیستم‌های ملی که برای ارزیابی‌های علمی یا محیط‌زیستی برای پیوستن به پانل‌ها ارائه می‌کند و همکاری برای رمزگشایی اطلاعات فنی زمانی که قاضی بین‌المللی برای صلاحیت ادعای علمی مرتبط در موقعیت تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد، وضعیت دشواری است. این مشکل منحصر به محیط‌زیست نیست؛ اما نیازمند رویکرد تخصصی است (جانسون و هوفمکال، ۲۰۲۰: ۴۵).

سومین ویژگی متمایز حقوق محیط‌زیست یک ویژگی قانونی و نه یک واقعیت این است که دعاوی محیط‌زیست تاکنون به‌ندرت جدا از سایر مباحثات حقوقی بین‌المللی مطرح شده است. به بیان دیگر، مباحث حقوق محیط‌زیست، تقریباً همیشه شامل مباحثی در مورد سایر حوزه‌های حقوقی است. این حوزه‌ها شامل توافقات تجاری در حوزه سازمان تجارت جهانی هنجارهای حقوق بشر پیش از دادگاه‌های حقوق بشر، مسائل مربوط به حقوق بین‌الملل عمومی همچون روابط میان معاهده و عرف، یا حقوق محیط‌زیست و حقوق مسؤلیت دولت‌هاست این ترکیب قویاً اظهار می‌دارد که یک دادگاه بین‌المللی متشکل از متخصصان حقوق بین‌الملل محیط‌زیست ممکن است در جذب پرونده‌ها به‌خوبی عمل نکنند. بنابراین آنچه موردنیاز است، قضاتی با ترکیب تخصصی و عمومی هستند. این موضوع توضیح می‌دهد که چرا تاکنون پرونده‌ای در شعبه محیط‌زیست دیوان بین‌المللی دادگستری ارائه نشده است (ایوب و لوسیر، ۲۰۲۰: ۴۶۰).

چهارمین ویژگی متمایز مربوط به مسائل مطرح شده قبل از سازمان‌های جهانی نسبت به نهادهای منطقه‌ای این است که جامعه بین‌المللی هنوز درک نکرده است که اهداف زیست‌محیطی در سلسله‌مراتب سیاسی و حقوقی وجود دارد. تفاوت‌های قابل‌فهم میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای تعیین اولویت‌ها وجود دارد، و به نظر می‌رسد آن تفاوت‌ها به تعیین معیارها هم تعمیم داده می‌شوند.

عامل پنجم قابل‌ذکر عبارت است از کشورهایی که در مورد ارجاع منازعات محیط‌زیستی بین‌المللی به قضاوت بین‌المللی دچار تردید هستند تا آنجا که دولت‌ها خواستار مکانیسم قضاوت بین‌المللی هستند به نظر نمی‌رسد آن‌ها خواهان رویه‌های متضاد و متناقض موضوع‌های محیط‌زیستی باشند.

چه چیزی محیط‌زیست جهانی را ایجاد میکند؟ محققین در این زمینه چهار موقعیت شناسایی کرده‌اند: (ستاد حقوق بشر).

استفاده نادرست از منابع مشترک، آلودگی فرامرزی فعالیت‌هایی که مناطق وسیعی از

کشورهای متعدد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، موارد منطقه‌ای که مسائل زیادی را در بر می‌گیرد به علت اینکه همه آن‌ها با هم در کشورهای متعدد اتفاق می‌افتند یا به این علت که منافع عمومی در رسیدگی به آن‌هاست. یک سیستم حل اختلاف مؤثر باید ماهیت بسیاری از حقوق را برای حفظ هدف در نظر بگیرد. در حوزه حفاظت از محیط‌زیست بین‌الملل دو نوع موقعیت متداول وجود دارد: نخستین مورد، آسیب‌های فرامرزی است؛ همچون مواردی که اختلافات مشخص شده بین دو دولت توسط دیوان بین‌المللی دادگستری رسیدگی می‌شود. دوم نقض تعهدات عام‌الشمول زیست‌محیطی به عنوان آسیب‌های انتشار یافته در نتیجه تغییرات آب‌وهوایی است که باعث خساراتی می‌شوند؛ هرچند ممکن است خسارات آنی برای کشور یا اشخاص غیردولتی در نداشته باشد.

پی طرح دعوی قضایی در خصوص تغییرات آب‌وهوایی به دلیل طیف گسترده منتشرکنندگان گازهای گلخانه‌ای و رویه در بیشتر نظام‌های حقوقی، امری دشوار است. با این‌همه کوشش‌هایی صورت پذیرفته است. فایده این نوع رویکرد، بیشتر در جلب توجه به مسئله است تا کشاندن پای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای به دادگاه. شاید پرونده‌های مطرحه نزد کمیسیون حقوق بشر از شانس موفقیت بیشتری برخوردار باشند؛ زیرا ارتباط میان تغییرات آب‌وهوایی و حقوق بشر مورد تصدیق قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۷ اعلامیه موسوم به ماله (۴) در مورد ابعاد انسانی تغییرات آب‌وهوایی بود. در این موافقت‌نامه صراحتاً تأکید شده است که تغییرات آب‌وهوایی تبعات مشخص و مستقیمی برای بهره‌مندی کامل از حقوق بشر در پی دارد. متعاقباً، و در پی فشار مالدیو و سایر دولت‌ها، شورای حقوق بشر سازمان ملل مبادرت به تصویب قطعنامه ۲۳/۷ با عنوان حقوق بشر و تغییرات اقلیمی نمود که در آن از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر درخواست شده است مطالعاتی پیرامون ارتباط بین تغییرات اقلیمی و حقوق بشر انجام دهد؛ با این حال، موانع شکلی و ماهوی پابرجاست (اسلامی، ۱۳۹۷: ۶۰).

نتیجه گیری

با عنایت به مباحث مطرح شده، با نظارت دائمی سؤالات و فرضیات پژوهش، یافته‌های ذیل حاصل شده‌اند.

۱- مهم‌ترین اقدام در جهت مقابله با تغییرات اقلیمی، حفاظت از محیط‌زیست و تعدیل انتشار گازهای مضر می‌باشد.

۲- معمولاً به سبب تعارض منافع، اقدامات در حیطه مقابله با گرمایش زمین بی‌نتیجه می‌ماند.

۳- مهم‌ترین اقدام اقتصادی دولت در راستای مقابله با تغییرات اقلیمی، حمایت از کسب‌وکارهای مرتبط است، به نحوی که برای آن‌ها محدودیتی ایجاد نشود.

۴- حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر به نحوی که سرمایه‌گذاری در آن توجیه اقتصادی پیدا کند، می‌تواند مهم‌ترین اقدام دولت در جهت مقابله با گرمایش زمین، ضمن حمایت از اشتغال این حوزه باشد.

۵- مجازات مخربین محیط‌زیست چندان بازدارنده نبوده و نیاز به بازبینی به نحوی داشته که آمار جرائم این حوزه کاهش یابد.

۶- قوه قضائیه می‌بایست از اختیارات خود جهت برخورد با مخربین محیط‌زیست باقوت بیشتر بهره برد.

۷- ایجاد محدودیت برای مشاغل، ساده‌ترین راه‌حل دولت برای مقابله با تغییرات اقلیمی است. اما می‌توان با حمایت صورت گرفته از بخشی دیگر، اثرات اقتصادی منفی این اقدام را جبران نمود.

۸- واگذاری‌های صنعت برق توسط سازوکار «بی.اوتی» می‌تواند گام مهمی در جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای در این صنایع باشد.

۹- حمایت از زراعت چوب به نحوی که توجیه اقتصادی مناسبی داشته باشد، اقدام مقتضی دولت در جهت مقابله با تغییرات اقلیمی ارزیابی می‌شود.

۱۰- آبخیزداری می‌تواند یک روش مقابله‌ای اقتصادی در مسیر تغییرات اقلیمی باشد که می‌بایست با وضع قانون مربوطه دولت را به اجرای طرح‌های این حوزه واداشت.

۱۱- باتوجه به اینکه آثار منفی تغییرات اقلیمی می‌تواند موجب آوارگی ساکنان مناطق مختلف گردد؛ می‌بایست برای این مهم صندوقی تعبیه نمود.

۱۲- باتوجه به اینکه حق بر برداشتن محیط‌زیست از مصادیق حقوق بشر نسل سوم می‌باشد، نیاز است که سازمان‌های حقوق بشری نسبت به حمایت از دولت‌ها در مسیر مقابله با گرمایش زمین اقدامات مقتضی را انجام دهند.

۱۳- تأسیس دیوان محیط‌زیست می‌تواند گامی مهم در جهت حمایت از این حق بشری در سطح بین‌الملل باشد.

۱۴- در بخش کشاورزی و دام‌پروری، می‌بایست با اصلاح اقتصادی الگو، مانع از انتشار بیشتر گازهای مضر شد.

۱۵- حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه حفاظت از محیط‌زیست می‌تواند ضمن عدم محدودیت برای مشاغل، به کاهش گرمایش زمین کمک نماید.

فهرست منابع

۱. ابراهیم جلود، خلیل (۱۴۰۰) چالش های مقررات حفاظت از محیط زیست در جمهوری عراق، کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۲. امی، احمد (۱۳۹۹) کارایی اقتصادی حقوق طب انتقال خون. حقوق پزشکی ۱۴ (۵۲) ۱۹۱-۲۰۸.
۳. امینی، اعظم؛ میان آبادی، حجت؛ دریادل، احسان (۱۳۹۸) ماهیت و موضوعات حقوقی کلیدی موافقت نامه پاریس در خصوص تغییرات اقلیمی، فصلنامه پژوهشات حقوقی ۲۲ (۸۶) ۲۹۱-۳۳۶.
۴. پورهاشمی، سیدعباس؛ سبحانی نیا، مجتبی؛ حسینی آزاد، سیدعلی (۱۴۰۰) تحلیل ماهیت تعهدات دولت ها در توافقنامه پاریس ۲۰۱۵ درباره تغییرات اقلیمی، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست ۲۳ (۱۱) ۸۵-۹۸.
۵. توسلی، محمداسماعیل (۱۴۰۰) تحلیل ماهیت پول، اقتصاد اسلامی، ۴۸ (۱) ۱۰۷-۱۳۰.
۶. حاج زاده، هادی (۱۳۹۹) تحلیلی بر الزامات حقوقی مقابله با تغییرات اقلیمی از منظر معاهدات بین المللی و قوانین داخلی، پژوهش های تغییرات آب و هوایی ۱ (۲) ۵۵-۷۸.
۷. رفیعی، حورا (۱۳۹۷) ارزیابی اقتصادی استفاده از انرژی خورشیدی در مقایسه با نیروگاه دیزلی، تهران، سنجش و دانش، ج ۱، چ ۱.
۸. زندی، مجید؛ امیرحسینی، مریم (۱۴۰۰) انرژی خورشیدی، انرژی پاک آینده، تهران، نشر سانا، ج ۱، چ ۳.
۹. شیروی، عبدالحسین (۱۴۰۰) حقوق اقتصادی، تهران، انتشارات سمت، ج ۱، چ ۱.
۱۰. فدائی دولت، فریدون؛ آقایی، سید داود (۱۳۹۹) بررسی مسئولیت حمایت جمهوری اسلامی ایران در جریان بحران سوریه، مجله حقوق بشر اسلامی ۴۳ (۱) ۲۵-۵۳.
۱۱. فیروزی، مهدی (۱۴۰۰) حق بر صلح در نظام بین المللی حقوق بشر و آموزه های اسلامی، دکتری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۲. کریمی، سمیه (ترجمه شده) (۱۴۰۰) تغییرات اقلیمی، تهران، انتشارات راه پرداخت، ج ۱، چ ۲.
۱۳. محمودی، محمدباقر؛ مرادی، مریم؛ میرعباسی، سیدباقر (۱۴۰۱) عواقب انسانی تغییرات اقلیمی با تاکید بر ملاحظات حقوق بشری و کنوانسیون ۲۰۱۵ پاریس، ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران ۵ (۷) ۱۰۴۲-۱۰۵۹.

1. Aghaie, K. S. (2021). Islamic-Iranian nationalism and its implications for the study of political Islam and religious nationalism. In Rethinking Iranian

- Nationalism and Modernity (pp. 181-204). University of Texas Press.
2. Alsaifi, M. (2021). Language proficiency and usage among second-and third-generation Rohingya refugees in Mecca. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 42(1), 37-51.
 3. Amini, A., Abedi, M., Nesari, E., Daryadel, E., Kolahi, M., Mianabadi, H., & Fisher, J. (2023). THE PARIS AGREEMENT'S APPROACH TOWARD CLIMATE CHANGE LOSS AND DAMAGE. *World Affairs*, 00438200221147936.
 4. Avellaneda Hernández, S. L., & Pardo Morcote, S. M. (2020). Educating for peace: a study from the rural educational institutions of the Sarna Páramo in Boyacá, Colombia.
 5. Balazs, C., Goddard, J. J., Chang, C., Zeise, L., & Faust, J. (2021). Monitoring the human right to water in California: development and implementation of a framework and data tool. *Water Policy*, 23(5), 1189-1210.
 6. Clayton, S. (2020). Climate anxiety: Psychological responses to climate change. *Journal of anxiety disorders*, 74, 102263.
 7. Cofone, I., & Turriago Betancourt, C. (2020). The Right to be Forgotten in Peace Processes. *The Right to be Forgotten: A Canadian and Comparative Perspective* (Routledge: London, 2020), 76-102.
 8. Dam-de Jong, D. (2021). Sovereignty as Responsibility: Exercising Permanent Sovereignty over Natural Resources in the Interest of Current and Future Generations. In *Furthering the Frontiers of International Law: Sovereignty, Human Rights, Sustainable Development* (pp. 21-36). Brill Nijhoff.
 9. Donnelly, J., & Whelan, D. J. (2020). *International human rights*. Routledge.
 10. Dovhan, B. (2021). The fourth generation of human rights: general theoretical aspect. *Topical Issues of Humanities, Technical and Natural Sciences*, 289-293.
 11. DUMANLI, Ö. (2021). The Relationship Between the Police and Third Generation Turkish Immigrants in Germany. *Turkish Journal of Diaspora Studies*, 1(2), 37-55.
 12. Fan, X., & Chai, Q. (2023). Guidance of National Determined Contributions in the Rulebook of the Paris Agreement and Its Implications for China. In *Annual Report on Actions to Address Climate Change (2019) Climate Risk Prevention* (pp. 67-78). Singapore: Springer Nature Singapore.
 13. Hoegh-Guldberg, O., Jacob, D., Taylor, M., Guillén Bolaños, T., Bindi, M., Brown, S., ... & Zhou, G. (2019). The human imperative of stabilizing global climate change at 1.5 C. *Science*, 365(6459), eaaw6974.
 14. Hurri, K. (2023). Climate Leadership Through Storylines: A Comparison of Developed and Emerging Countries in the Post-Paris Era. *Global Society*, 1-22.

15. Jernäs, M. (2023). Governing through the nationally determined contribution (NDC): five functions to steer states' climate conduct. *Environmental Politics*, 1-22.
16. Lim, S., & Prakash, A. (2023). Does carbon pricing spur climate innovation? A panel study, 1986–2019. *Journal of Cleaner Production*, 395, 136459.
17. Morfeldt, J., Larsson, J., Andersson, D., Johansson, D., Rootzén, J., Hult, C., & Karlsson, I. (2023). Consequences of adopting national consumption-based climate targets alongside the territorial commitments under the Paris Agreement.
18. Pörtner, H. O., Roberts, D. C., Adams, H., Adler, C., Aldunce, P., Ali, E., ... & Ibrahim, Z. Z. (2022). *Climate change 2022: Impacts, adaptation and vulnerability* (p. 3056). Geneva, Switzerland:: IPCC.
19. Rolnick, D., Donti, P. L., Kaack, L. H., Kochanski, K., Lacoste, A., Sankaran, K., ... & Bengio, Y. (2022). Tackling climate change with machine learning. *ACM Computing Surveys (CSUR)*, 55(2), 1-96.
20. Tilley, S. David. "Recent Advances and Emerging Trends in Photo-Electrochemical Solar Energy Conversion." *Advanced Energy Materials* 9, no. 2 (2019): 1802877.
21. Zhang, Peng, and Xiong Wen Lou. "Design of Heterostructured Hollow Photocatalysts for Solar-to-Chemical Energy Conversion." *Advanced Materials* 31, no. 29 (2019): 1900281.